

رویکرد اصطلاح‌شناسی تخصصی در آموزش مهارت نگارش به زبان انگلیسی: مورد جمله‌واره‌ها

ساسان بالغی‌زاده^۱

مهرداد یوسفپوری نعیم^۲

چکیده

از منظر زبان‌شناختی، یکی از چالش‌برانگیزترین جوانب مهارت نوشتن جمله‌بندی است. اگرچه برخی از جملات تنها از یک جمله‌واره تشکیل می‌شوند، نویسندگان، به منظور دستیابی به اثرگذاری بیشتر، اغلب جمله‌واره‌ها را با یکدیگر ترکیب می‌کنند تا در نهایت بتوانند متنی منسجم تولید کنند. با استفاده از رویکرد اصطلاح‌شناسی تخصصی، مقاله حاضر مجموعه‌ای متشکل از ۲۳ اصطلاح تخصصی گرامری که به طور معمول در کلاس‌های آموزش مهارت نوشتن به کار گرفته می‌شوند را مورد بررسی دقیق قرار می‌دهد. بدین منظور، پژوهشگران پیکره زبانی حاوی ۱۴ کتاب گرامر را بررسی کردند و تمامی ۲۳ اصطلاح تخصصی انتخابی در این پیکره جستجو و شمارش شد. به‌علاوه، از ۷۲ دانشجوی زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شهید بهشتی آزمون اصطلاحات تخصصی (مبتنی بر اصطلاحات مورد مطالعه) بعمل آمد. براساس بسامد اصطلاحات در پیکره زبانی، نتایج آزمون اصطلاحات تخصصی و تحلیل داده‌های کیفی که از معنی و کاربرد اصطلاحات و مصاحبه‌های انجام‌شده با دانشجویان بدست آمد، پژوهشگران شبکه‌ای اصلاح‌شده از اصطلاحات تخصصی گرامری برای تدریس جمله‌واره‌ها را ارائه کردند. در صورت بکارگیری یکپارچه این شبکه پیشنهادی، بسیاری از ابهامات و چالش‌های استفاده از اصطلاحات تخصصی گرامری برای تدریس جمله‌واره‌ها در آموزش مهارت نگارش به زبان انگلیسی مرتفع خواهد شد.

واژگان کلیدی: جمله‌واره، اصطلاحات تخصصی گرامر، آموزش نگارش به زبان انگلیسی، پیکره زبانی.

دوره سیزدهم شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

۱. دانشیار آموزش زبان انگلیسی دانشگاه شهید بهشتی.

s_baleghizadeh@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه شهید بهشتی

m_yousefpoori@sbu.ac.ir

مقدمه

یکی از چالش‌برانگیزترین جنبه‌های مهارت نوشتن "جمله‌بندی" است (Saddler, Asaro و Behforooz، ۲۰۰۸، ص. ۱۷). اگرچه برخی از جملات از یک جمله‌واره تشکیل شده‌اند، نویسندگان، به منظور دستیابی به اثرگذاری بیشتر، اغلب جمله‌واره‌ها را با یکدیگر ترکیب می‌کنند تا جملات طولانی‌تری تولید کنند. بیرز و نگی (Beers و Nagy، ۲۰۰۹) همبستگی مثبتی بین پیچیدگی ساختاری متون و کیفیت نوشتار در متون روایی (و نه مقالات) یافتند و مدعی شدند که "توانایی ایجاد جملات پیچیده شرط لازم اما نه کافی برای نوشتن متون با کیفیت بالاست" (ص. ۱۸۷).

دلیل آنکه تدریس انواع جمله‌واره‌ها در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت این است که آنها قسمت مهمی از آموزش مهارت نوشتن به زبان انگلیسی را تشکیل می‌دهند، که بسیاری از زبان‌آموزان در یادگیری آنها دچار مشکل هستند. در واقع، برای آنکه بتوانیم جملات پیچیده‌تری بنویسیم، باید مهارت لازم در بکارگیری جمله‌واره‌ها را داشته باشیم تا بتوانیم از ترکیب جملات ساده، جملات مرکب بسازیم. این کار عموماً به منظور ایجاد انسجام در متن مورد استفاده قرار می‌گیرد. اهمیت جمله‌واره را از تعداد تکرار این اصطلاح تخصصی در مقایسه با دیگر واحدهای زبانی در پیکره زبانی استفاده‌شده در این مطالعه نیز می‌توان دریافت: جمله‌واره با ۲۹۴۱ بار تکرار از عبارت (با ۶۹۹ بار تکرار) و حتی از واژه (با ۲۶۸۹ بار تکرار) پرتکرارتر است، گرچه به بسامد بالای اصطلاح معروف جمله (با ۴۲۱۰ بار تکرار) نمی‌رسد. همچنین لازم به ذکر است که جمله‌واره در تمامی ۱۴ کتاب تشکیل‌دهنده پیکره زبانی، حتی در کتاب‌های سطح ابتدایی، وجود دارد.

از دیدگاه زبان‌شناختی، جمله‌واره نقش محوری در تجزیه و تحلیل متن دارد. علیرغم آنکه به نظر می‌رسد جمله واحد اصلی تجزیه و تحلیل نوشتار می‌باشد، این فرضیه با مشکلات فراوانی روبروست. از لحاظ گرامری، جملات بسیار باز و نامعین هستند. همان‌طور که اشلیگر اظهار می‌کند، نوشتن حرف اول کلمه اول جمله با حروف بزرگ و قراردادن نقطه در انتهای جمله به منظور نشان دادن مرزهای جمله روش مناسبی برای پژوهشگران جهت تجزیه و تحلیل متون نیست، چراکه جملات می‌توانند از لحاظ تعداد جمله‌واره‌ها بسیار متفاوت باشند (Schleppegrell، ۲۰۰۸). هانت اضافه می‌کند که چنین مشکلاتی در مورد زبان‌آموزان جوان بیشتر به چشم می‌خورند زیرا آنها اغلب تمایل

دارند به‌جای قراردادن نقطه در پایان جملات، با استفاده مکرر از "و" جملات خود را به هم متصل کنند (Hunt، ۱۹۶۵). از سوی دیگر، مواردی وجود دارد که به منظور ایجاد تاثیرات گوناگون، نویسندگان از جملات ناقص در متن خود استفاده می‌کنند (-Schleppe-grell، ۲۰۰۸). اگر هر دوی این نکات را در نظر بگیریم، می‌توانیم مدعی شویم که جمله مفهوم چندان پایدار و ثابتی نیست، که بتوان از آن به‌عنوان واحدی قابل‌اطمینان در تجزیه و تحلیل متون استفاده کرد. در عوض، جمله‌واره اگرچه به سادگی جمله از لحاظ بصری قابل‌شناسایی نیست نسبت به تنوع در اندازه مقاوم است و در عین حال بزرگترین واحد زبانی بعد از جمله محسوب می‌شود.

واحد تی و مجموعه جمله‌واره دو روش مختلف استفاده از جمله‌واره به‌عنوان واحد تجزیه و تحلیل گرامری متن به شمار می‌آیند. واحد تی، که اولین بار توسط هانت مطرح شد، شامل "یک جمله‌واره به‌علاوه تمامی جمله‌واره‌های وابسته متصل شده به آن" می‌شود (Hunt، ۱۹۶۵). از آن زمان، پژوهشگران از این شاخص به‌عنوان معیار اندازه‌گیری پیچیدگی ساختاری استفاده کرده‌اند. مشهورترین مواردی که در آنها از واحد تی بهره برده‌اند مطالعاتی هستند که تاثیر تمرین ترکیب‌کردن جملات را بر پختگی نوشتار زبان‌آموزان بررسی می‌کردند (Gaies، ۱۹۸۰ و Ong و Zhang، ۲۰۱۱). اگرچه امروزه همچنان از واحد تی در برخ از مطالعات استفاده می‌شود (برای مثال Jalilifar، ۲۰۱۰)، انتقادهایی هم از جهت تعریفی و هم از جهت مراحل اجرا در مورد این روش مطرح شده است (Gaies، ۱۹۸۰، ص. ۵۴). روش "مجموعه جمله‌واره" هلیدی (-Halli-day و Matthiessen، ۲۰۰۴، ص. ۳۶۳) را می‌توان نسخه پیشرفته واحد تی دانست، از آن جایی که این روش شامل یک جمله‌واره مستقل و تمامی جمله‌واره‌های مرتبط با آن (برخلاف واحد تی، حتی جمله‌واره‌های هم‌پایه) می‌شود و با اضافه‌کردن جنبه‌ای کاربردی به ساختار، واحدهای تجزیه را معنادارتر می‌کند (Schleppegrell، ۲۰۰۸).

جمله‌واره در پیشینه پژوهش در زمینه مهارت نوشتن

تجزیه و تحلیل متن نوشتاری نه تنها برای زبان‌شناسان بلکه همچنین برای پژوهشگران آموزش زبان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است، چراکه همان‌طور که اشلیپگرل بیان می‌کند، در تجزیه و تحلیل نوشتار، اغلب هدف بررسی پیچیدگی متن یا ساختار متن به‌منظور استخراج ویژگی‌های آن است تا بر روی آنها در امر آموزش یا پژوهش بر آنها تاکید شود (Schleppegrell، ۲۰۰۸). اشلیپگرل نیز جمله‌واره را به‌عنوان واحد تجزیه و

تحلیل متن ذکر می‌کند و بر نقش آن در تحلیل‌های کاربردی تأکید می‌کند. مقایسه متون مختلف (از جمله نوشته‌های زبان‌آموزان) بر اساس واحدهای تجزیه و تحلیل با اهداف آموزشی می‌تواند نقاط کور نوشته‌های آنها را نمایان سازد و به یافتن راه‌هایی برای ارتقای سطح مهارت نوشتن آنها کمک کند.

برخورداری از مهارت ترکیب جمله‌واره‌ها با یکدیگر در نوشتن بسیار حائز اهمیت است. بر طبق مطالعات انجام‌شده در دهه ۷۰ میلادی، اگرچه در گفتار نیز ترکیب‌کردن جمله‌واره‌ها کاربرد دارد، بیشتر ساختارهای پیچیده ترکیبی معمولاً در نوشتار یافت می‌شوند (Chafe, 1982). با این وجود، باید به خاطر داشت که تمیز دادن نوشتار از گفتار به‌طور کل بر فرضیه درستی استوار نیست مگر آنکه متون مورد مقایسه در نوشتار و گفتار از یک زمینه یکسان مفهومی و کاربردی برگرفته شده باشند (Beaman, 1984). برای مثال، مقایسه یک گپ دوستانه با یک متن تخصصی در زمینه زیست‌شناسی را نمی‌توان مقایسه گفتار با نوشتار دانست.

بیر و واسکوئز (Biber و Vasquez, 2008, ص. 659)، به‌منظور پرهیز از کلی‌گویی، از اصطلاح "گفتار و نوشتار کلیشه‌ای" برای رجوع به "محو‌ره و متون تبادل اطلاعاتی" استفاده می‌کنند، چراکه ذهنیت اکثر افراد از گفتار و نوشتار چنین است. بیر، ژوهانسون، لیچ، کنراد و فینگان در پروژه کتاب گرامر گفتاری و نوشتاری زبان انگلیسی لانگمن به بررسی شاخصه‌های نوشتار و گفتار می‌پردازند (LGSWE, 1999): مکالمات سرشار از جملات کوتاه ساده است و متون علمی حاوی جملات پیچیده‌تری است. البته این یافته جدیدی نیست، چراکه پژوهش در دهه‌های قبلی نیز به این نکته اشاره داشته است (O'Donnell, 1974)، اما آنچه در مورد نتایج پژوهش بر پیکره زبانی ۲۰ میلیون لغتی لانگمن جالب‌توجه است این است که در مکالمات نیز ویژگی‌هایی از ساختارهای پیچیده به چشم می‌خورد، که کمتر در متون علمی مشاهده می‌شود. مثال بارز این یافته جمله‌واره‌های *that* است (مخصوصاً هنگامی که بعد از افعالی همچون *know* یا *think* استفاده می‌شدند) که در مکالمات ۵ برابر بیشتر وجود داشتند (Biber و Vasquez, 2008). با نگاهی جامع به نتایج پروژه لانگمن درمی‌یابیم که با این وجود همچنان تعداد و تنوع ساختارهای پیچیده در گفتار کلیشه‌ای بیش از نوشتار کلیشه‌ای است.

برخی از مطالعات همچنین از تجزیه و تحلیل متن برای یافتن اطلاعات بیشتر در مورد ویژگی‌های نوشتار زبان‌آموزان بهره برده‌اند. این دسته از مطالعات، که همانند

دیگر پژوهش‌ها از واحد جمله‌واره برای تجزیه و تحلیل متون استفاده کرده‌اند، نشان می‌دهند که زبان‌آموزان با پیشرفت در سطح مهارت نوشتن خود جملات پیچیده‌تری را نیز تولید می‌کنند (Crossley, Roscoe و MacNamara, ۲۰۱۴). البته، نتایج این مطالعات چندان هم شگفت‌آور نبوده است، چراکه پژوهش‌های پیشین در مورد ادراک معلمان زبان در مورد کیفیت نوشتار بر اهمیت توانایی استفاده از جمله‌واره‌ها در ساختارهای پیچیده نیز تاکید داشته است. به‌عنوان نمونه، جانوپولوس این طور گزارش می‌کند که اعضای هیئت علمی اشتباهات زبان‌آموزان در زمینه جمله‌بندی و استفاده از جملات موصولی را در میان اصلی‌ترین اشتباهات در نوشتن به حساب می‌آورند. این اساتید دانشگاه همچنین اشتباهات در مورد کاربرد حرف تعریف و حروف اضافه را جزء مشکلات کوچک‌تر زبان‌آموزان در نظر گرفتند (Janopoulos, ۱۹۹۲).

درحالی که می‌توان ادعا کرد در زبان‌شناسی توجه شایسته به نوشتار شده است، در حوزه آموزش، همان‌طور که لکی، کامینگ و سیلوا اشاره می‌کنند، پژوهش کافی در زمینه آموزش مهارت نوشتن انجام نگرفته است (Leki, Cumming, و Silva, ۲۰۰۸). هینکل (Hinkel, ۲۰۱۱، ص. ۵۳۵) همچنین اضافه می‌کند که "نیاز به پژوهش‌های جدید، ایجاد راه‌کارهای اصولی برای کلاس درس و آموزش صحیح معلمان زبان بسیار جدی است." به همین منظور، پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا با تمرکز بر روی موضوع مهم و در عین حال چالش‌برانگیز جمله‌واره از منظر اصطلاحات تخصصی گرامر به پژوهش در زمینه تدریس مهارت نوشتن بیافزاید. اگرچه گرامر تنها دغدغه موجود در تدریس مهارت نوشتن نیست، بسیاری از جوانب زبانی نوشتار زبان‌آموزان را (از جمله استفاده صحیح "زمان‌ها، ساختار جمله‌واره، حروف تعریف و حروف اضافه") می‌توان از طریق آموزش گرامر ارتقا بخشید. علیرغم آنکه استفاده از اصطلاحات تخصصی عموماً نقش مثبتی در فرآیند آموزش دارد، در صورت استفاده نادرست می‌تواند سدی در مقابل یادگیری زبان‌آموزان ایجاد کند (Berry, ۲۰۰۸). زبان‌آموزان اغلب با دیدن اصطلاحات گوناگون که توسط معلمان یا کتب آموزشی مختلف استفاده می‌شوند دچار نوعی سردرگمی می‌شوند، که می‌تواند تاثیر منفی در فرآیند یادگیری آن‌ها بگذارد. وسعت این مشکل در حدی است که حتی معلمان نیز خود نمی‌توانند تفاوت یا ارتباط بین اصطلاحات تخصصی را به‌طور کامل تشخیص دهند و ممکن است در پاسخ‌گویی به سوالات زبان‌آموزان دچار تردید شوند. پژوهش حاضر با تبیین معنی و سازمان‌دهی

اصطلاحات تخصصی گرامری موجود برای تدریس جمله‌واره‌ها در رفع این مشکل تلاش می‌نماید.

روش تحقیق

پیکره زبانی

برای تهیه پیکره زبانی، از ۱۴ کتاب آموزش گرامر انگلیسی (چهار سری کتاب و یک کتاب تک) استفاده شد. سه مورد از چهار سری کتاب‌ها در سه سطح ابتدایی، متوسط و بالاتر از متوسط نگارش شده‌اند و تنها سری Grammar Practice شامل یک سطح بیشتر (پایین‌تر از متوسط) می‌شود. کتاب Practical English Usage، به‌عنوان تنها کتاب تکی در پیکره زبانی، به دلیل پوشش گسترده آن در مورد اصطلاحات تخصصی گرامر در این لیست قرار گرفت. جزئیات کتاب‌های موجود در پیکره زبانی در جدول شماره ۱ آمده است.

کتاب	نویسنده/نویسندگان	سطح	ویرایش	انتشارات	سال انتشار
Practical English Usage	Michael Swan	Reference ((Advanced))	3rd	OUP	2005
Basic English Grammar	Betty Schrammper Azar & Stacy A. Hagen	Elementary	3rd	Pearson Longman	2006
Fundamentals of English Grammar	Betty Schrammper Azar	Intermediate	3rd	Pearson Longman	2003
Understanding and Using English Grammar	Betty Schrammper Azar	Upper- Intermediate	3rd	Pearson Longman	2002
Essential Grammar in Use	Raymond Murphy	Elementary	2nd	Cambridge University Press	
English Grammar in Use	Raymond Murphy	Intermediate	3rd	Cambridge University Press	2004
Advanced Grammar in Use	Martin Hewings	Upper- Intermediate	2nd	Cambridge University Press	2005
Macmillan English Grammar in Context	Simon Clarke	Elementary	1st	Macmillan	2008
Macmillan English Grammar in Context	Michael Vince	Intermediate	1st	Macmillan	2008
Macmillan English Grammar in Context	Michael Vince	Upper- Intermediate	1st	Macmillan	2008

Grammar Practice for Elementary Students	Elaine Walker & Steve Elsworth	Elementary	2nd	Pearson Longman	2000
Grammar Practice for Pre-Intermediate Students	Elaine Walker & Steve Elsworth	Pre-Intermediate	2nd	Pearson Longman	2000
Grammar Practice for Intermediate Students	Elaine Walker & Steve Elsworth	Intermediate	2nd	Pearson Longman	2000
Grammar Practice for Upper Intermediate Students	Elaine Walker & Steve Elsworth	Upper-Intermediate	2nd	Pearson Longman	2000

Archive of SID

شرکت‌کنندگان در پژوهش

در مجموع ۷۲ دانشجوی مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه شهید بهشتی تهران در این پژوهش شرکت کردند. دانشجویان از هر دو جنس مرد و زن و در بازه سنی ۱۸ تا ۲۶ سال بودند. از لحاظ توانش زبان انگلیسی، اکثر دانشجویان در سطح بالاتر از متوسط قرار داشتند. به استثنای دانشجویان سال اول (حدود ۲۵٪ کل دانشجویان)، تمامی دانشجویان دیگر دروس "دستور و نگارش ۱ و ۲" را در سال‌های گذشته با موفقیت گذرانده بودند.

ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها

به‌طور کل، داده‌های مورد نیاز پژوهش از سه منبع و ابزار مختلف جمع‌آوری شد. کتاب‌های موجود در پیکره زبانی ابتدا .. شدند و سپس اصطلاحات تخصصی گرامری در آن‌ها توسط نرم‌افزار (Adobe Acrobat X Prov. 10.0.0) جستجو و شمارش شد. همچنین، آزمون تولیدی متشکل از تمامی ۲۳ اصطلاح تخصصی گرامری برای سنجش میزان آشنایی زبان‌آموزان با این اصطلاحات مرد استفاده قرار گرفت. زبان‌آموزان ملزم بودند ظرف مدت ۲۵ دقیقه برای اصطلاحات تخصصی داده‌شده مثال ارائه کنند. ابزار دیگر، مصاحبه‌های غیررسمی و یادداشت‌های میدانی پژوهشگر، به‌منظور جمع‌آوری داده‌های کیفی در جلسات حضوری تصحیح برگه‌های امتحانی زبان‌آموزان استفاده شد. این ابزار امکان ورود به ذهن زبان‌آموزان، آشنایی با نحوه تفکر و جمع‌آوری نظرات آن‌ها نسبت به اصطلاحات تخصصی مختلف را فراهم آورد.

مراحل پژوهش

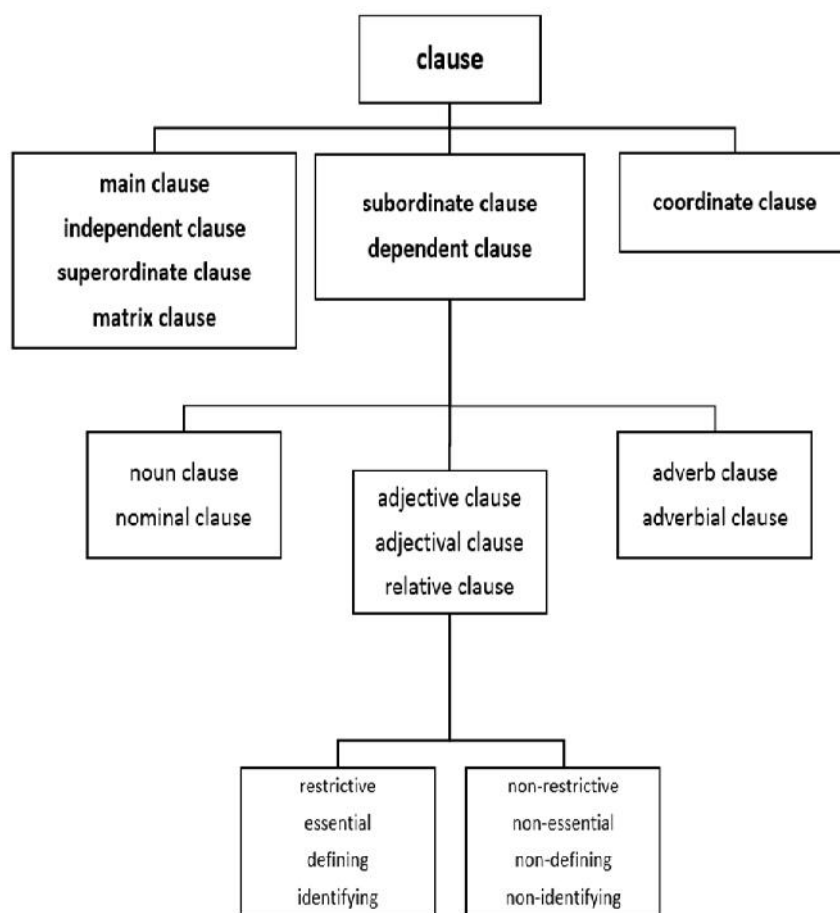
۲۳ اصطلاح تخصصی گرامری مربوط به آموزش انواع مختلف جمله‌واره‌ها در تدریس مهارت نوشتن از سه مرجع (Spars، ۱۹۹۱)، (Leech، ۲۰۰۶) و (Berry، ۲۰۱۰) و تعدادی از منابع آنلاین انتخاب شدند. سپس، اصطلاحات تخصصی منتخب در تمامی ۱۴ کتاب شمارش شدند و تعداد تکرار آن‌ها در هر کتاب و در کل پیکره زبانی ثبت شد. از سوی دیگر، آزمون اصطلاحات نیز از ۷۲ دانشجوی شرکت‌کننده گرفته شد. در این آزمون از دانشجویان خواسته شده بود برای اصطلاحات داده‌شده مثال بیاورند. در برگه‌های امتحانی، به دانشجویان توصیه شده بود تا در صورت امکان از مثال‌های انگلیسی

استفاده کنند، اگرچه از آن جایی که هدف آزمون تنها سنجش آشنایی دانشجویان با مفاهیم اصطلاحات تخصصی گرامری بود، مثال‌ها یا توضیحات فارسی که معنی و مرجع اصطلاحات مورد نظر را به درستی بیان می‌کردند نیز به‌عنوان پاسخ صحیح مورد قبول قرار می‌گرفتند. در ضمن، برگه‌های امتحانی در حضور دانشجویان تصحیح شد تا هرگونه ابهامات احتمالی در پاسخ‌ها مرتفع شود و همچنین امکان آگاهی از شیوه و فرآیند فکری دانشجویان در پاسخ‌دادن به سوالات فراهم شود. به‌عنوان نمونه، یکی از دانشجویان برای اصطلاح subordinate clause مثال *I watched the movie which won an Oscar last year* را نوشته بود، اما از آن جایی که مشخص نکرده بود کدام یک از دو جمله‌واره در این جمله مد نظر اوست، امکان رد یا قبول این مثال وجود نداشت. در جلسه‌ی حضوری تصحیح برگه‌ها، با ارائه‌ی توضیحات تکمیلی توسط دانشجو، منظور او از این مثال مشخص شد و پاسخ او مورد قبول قرار گرفت. نتایج جستجوی اصطلاحات در پیکره‌ی زبانی و نتایج آزمون اصطلاحات در کنار داده‌های کیفی بدست آمده از جلسات حضوری تصحیح برگه‌های سوالات و مصاحبه‌های انجام شده بعد از آنها اساس پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند.

نتایج و بحث پژوهش

جمله‌واره اصطلاح ساده‌ای برای تعریف کردن نیست، اما اکثر منابع آن را به‌عنوان گروهی از لغات تعریف می‌کنند که دارای فعل و فاعل باشند (برای مثال، Azar، ۲۰۰۲). از لحاظ آموزشی البته، این تعریف چندان مفید نیست، چراکه ساختارهای دیگری نیز وجود دارند که در آنها هم فعل و هم فاعل وجود دارد، اما جمله‌واره نیستند (برای مثال، absolute constructions/phrases). مثال زیر از بارکلی و سندووال (Barkley and Sandoval، ۲۰۱۵، ص. ۲۳۶) به‌خوبی بیانگر این نکته است: "The family hired a local contractor, their neighbors highly recommending her" به همین دلیل، اغلب لازم است اطلاعات بیشتری به این تعریف نه‌چندان معین اضافه کنیم تا دقت آن را افزایش دهیم، اگرچه باز هم ممکن است توفیق‌جندانی حاصل نشود، مانند تعریف پنستون: "جملات در جملات" (Penston، ۲۰۰۵، ص. ۷۹). این وضعیت می‌تواند وخیم‌تر هم بشود، مخصوصاً وقتی که برخی جمله‌واره را در زبان انگلیسی با مفهومی کمی متفاوت بکار می‌برند، که بعضی از انواع عبارات را نیز شامل می‌شود. لیچ (Leech، ۲۰۰۶، ص. ۱۸) عبارات "having given her a book" و "to give her a book" را به‌عنوان

مثال‌هایی برای non-finite clause ارائه می‌کند، که ما غالباً آنها را به ترتیب participle phrase و infinitive phrase می‌نامیم. مشکلات جمله‌واره‌ها از خود اصطلاح جمله‌واره فراتر می‌رود، به گونه‌ای که پیچیدگی‌های پیرامون اصطلاحات تخصصی برای انواع مختلف جمله‌واره‌ها را نیز شامل می‌شود. تصویر شماره ۱ تلاشی است برای به تصویر کشیدن این پیچیدگی‌ها به گونه‌ای منظم.



تصویر ۱- اصطلاحات تخصصی گرامری برای انواع جمله‌واره‌ها در آموزش مهارت نوشتن به زبان انگلیسی به منظور ساده‌تر کردن شبکه‌ی بالا و مهیاسازی آن برای استفاده در آموزش زبان، پژوهشگران با توجه به تعداد تکرار این اصطلاحات در پیکره‌ی زبانی و سطح‌آشنایی دانشجویان با آنها این اصطلاحات را بررسی کردند، که نتیجه‌ی آن در جدول شماره ۲ آمده است.

اصطلاح تخصصی	تکرار	کتاب‌های سطح مبتدی / ۴	کتاب‌های سطح متوسط / ۵	کتاب‌های سطح پیشرفته / ۵	کتاب‌ها / تمامی ۱۴	دانشجویان / ۷۲	درصد دانشجویان
clause	۲۹۱۴	۴	۵	۵	۱۴	۵۲	۷۲
main clause	۱۶۵۴۲	۱	۱	۵	۷	۲۷	۵۱
independent clause	۴۲	۰	۱	۱	۲	۲۸	۵۲
superordinate clause	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲
matrix clause	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
subordinate clause	۶۸	۰	۰	۴	۴	۱۷	۲۳
dependent clause	۲۰	۰	۱	۲	۳	۳۷	۵۱
coordinate clause	۳	۰	۰	۱	۱	۱۱	۱۵
noun clause	۲۴۷	۰	۱	۲	۳	۱۲	۱۶
nominal clause	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۹
adjective clause	۳۲۰	۱	۱	۱	۳	۱۸	۲۵
adjectival clause	۰	۰	۰	۰	۰	۱۱	۱۵
relative clause	۳۴۹	۲	۵	۵	۱۲	۱۳	۱۸
adverbial clause	۱۴۹	۱	۱	۲	۴	۱۰	۱۳
restrictive clause	۳۸	۰	۰	۴	۴	۷	۹
restrictive clause	۳	۰	۰	۲	۲	۱۰	۱۳

non-restrictive clause	۳۳	۰	۰	۰	۲	۲	۱۰	۱۳
essential clause	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۹
non-essential clause	۲	۰	۰	۰	۱	۰	۹	۱۲
defining clause	۷۱	۱	۲	۴	۷	۱۰	۱۳	
non-defining clause	۱۲	۰	۲	۴	۲	۹	۱۲	
identifying clause	۲۵	۰	۰	۰	۲	۲	۳	۴
non-identifying clause	۲۵	۰	۰	۰	۲	۲	۳	۴

جدول ۲- تعداد تکرار اصطلاحات تخصصی مربوط به جمله‌واره‌ها و سطح آشنایی دانشجویان با آنها

اساسی‌ترین روش دسته‌بندی جمله‌واره‌ها بررسی جایگاه آنها در جمله‌ای است که در آن بکارگرفته می‌شوند. بر همین اساس، می‌توان جمله‌واره‌ها را به ۳ دسته تقسیم کرد (تصویر ۱). معمولاً main clause را مترادف independent clause بکار می‌برند زیرا این اصطلاح به جمله‌واره‌ای اطلاق می‌شود که مفهومی کامل را بیان می‌کند و می‌تواند مانند یک جمله به‌تنهایی استفاده شود (Spears, ۱۹۹۱). اگرچه این تعریف در بسیاری از مواقع مفید است، کاملاً قابل اتکا نیست، چراکه مواردی وجود دارد که main clause نمی‌تواند به‌تنهایی استفاده شود. برای مثال، هنگامی که جمله‌واره اصلی به همراه جمله‌واره‌های اسمی (noun clauses) یا جمله‌واره‌های موصولی معین (defining adjective clauses) استفاده شود:

I talked to the man who owns the restaurant. (main clause + defining adjective clause)

Maryam said that she was angry with me. (main clause + noun clause)

در دو مثال بالا، "I talked to the man" و "Maryam said" به‌تنهایی جملات کاملی نیستند، اما main/independent clause محسوب می‌شوند. در اینجا است که main clause به عنوان اصطلاحی دقیق‌تر مطرح می‌شود. همان‌طور که لیچ (Leech, ۲۰۰۶، ص. ۶۳) بیان می‌کند، می‌توان از matrix clause در نقش مترادف main clause استفاده نمود یا آنکه آن را به‌عنوان "اصطلاحی برای main clause منهای subordinate clause" در نظر گرفت. "اگرچه معرفی matrix clause به اصطلاحات تخصصی مشکل مطرح شده در مورد main clause را مرتفع می‌کند، در مجموع باعث پیچیده‌تر شدن موضوع می‌شود و بیشتر در حوزه علم و نه آموزش کاربرد دارد. همین نکته می‌تواند دلیل عدم وجود این اصطلاح تخصصی در پیکره زبان پژوهش حاضر و عدم آشنایی دانشجویان با این اصطلاح باشد. به نظر می‌رسد superordinate clause، به‌عنوان مترادف دیگر main clause، نیز از همین مشکل علمی (و نه آموزشی) بودن رنج می‌برد (بدون تکرار در پیکره زبانی و آشنایی تنها ۲٪ دانشجویان با این اصطلاح).

می‌توان independent clause را با ۴۲ تکرار در یک کتاب سطح متوسط و یک کتاب سطح پیشرفته به‌عنوان گزینه‌ای قابل قبول‌تر به شمار آورد، اما همچنان در مقایسه با ۱۶۵ تکرار main clause در ۷ کتاب شانس چندان برای برگزیده شدن ندارد با این که از لحاظ میزان آشنایی دانشجویان هر دو اصطلاح در سطح تقریباً یکسانی قرار دارند (حدود نیمی از دانشجویان با هر دوی این اصطلاحات آشنا بودند). به علاوه، یک مشکل عملی independent clause این است که به سادگی با dependent clause (۲۰ تکرار در ۳ کتاب) اشتباه گرفته می‌شود. البته خود اصطلاح dependent clause از مترادف خود، subordinate clause (۶۸ تکرار در ۴ کتاب) از محبوبیت کمتری برخوردار است. برخلاف رویه مشهود در پیکره زبانی، دانشجویان بیشتری با dependent clause آشنا بودند، اما تعدادی از دانشجویان بر این نظر بودند که اغلب اصطلاح dependent را با independent اشتباه می‌گیرند. از آنجایی که subordinate clause هیچ‌گونه شباهتی به main clause ندارد و بنابراین با آن اشتباه گرفته نمی‌شود و با توجه به نتایج تکرارهای بدست آمده در پیکره زبانی، به نظر می‌آید زوج اصطلاحی main clause/subordinate clause بهترین گزینه برای حوزه آموزش باشد.

تدریس اصطلاح coordinate clause، که به جمله‌واره‌های دارای درجه یکسان اهمیت یکسان که به وسیله یک coordinating conjunction به یکدیگر متصل می‌شوند اطلاق می‌شود (Penston, ۲۰۰۵)، فایده چندان برای زبان‌آموزان ندارد، چراکه تقریباً در تمامی موارد می‌توان به جای این اصطلاح از main clause استفاده نمود. از آنجایی که جمله‌واره‌های همپایه‌ساز به یکدیگر وابسته نیستند و یکی تابع دیگری نیست، بسیار شبیه جمله‌واره‌های اصلی عمل می‌کنند. (اگرچه متخصصین گرامر بر این نظرند که جمله‌واره‌های همپایه‌ساز همیشه جداشدنی نیستند و در تمامی موارد قابلیت بکارگیری به صورت مستقل را ندارند (Haiman و Thompson, ۱۹۸۸). تکرار بسیار اندک این اصطلاح (تنها ۳ بار در کل پیکره زبانی) و همین‌طور تعداد کم دانشجویانی که با این اصطلاح آشنایی داشتند (۱۵٪) نیز بیانگر این نکته است که coordinate clause جایی در حوزه آموزش نباید داشته باشد.

دسته‌بندی مهم دیگر جمله‌واره‌ها مربوط به subordinate clause می‌شود، که بر اساس عملکردشان در جمله از یکدیگر تمیز داده می‌شوند. در هر ۳ گروه جمله‌واره اسمی، صفتی و قیدی، گروه اضافی از گروه توصیفی متداول‌تر است: یعنی noun/

adjective/adverb clause از nominal/adjectival/adverbial clause در پیکره زبانی رایج‌تر است (نسبت ۱۴۹/۳۲۰/۲۴۷ به ۳۸/۰/۰). همین رویه در مورد میزان آشنایی دانشجویان با این دو دسته اصطلاح نیز دیده می‌شود: ۱۳/۲۵/۱۶ در صد برای گروه اضافی و ۹/۱۵/۹ درصد برای گروه توصیفی. در واقع، nominal اصطلاحی بسیار علمی به نظر می‌آید و عدم وجود آن در پیکره زبانی تعجب‌برانگیز نیست، اما دلیل آن که adjectival، که کمتر ظاهر علمی دارد، نیز در پیکره زبانی دیده نمی‌شود ممکن است این باشد که دو مترادف رایج برای این اصطلاح موجود است (relative و adjective) که دیگر مجالی برای استفاده از این اصطلاح باقی نمی‌گذارد. انتخاب بین adjective clause و relative clause آسان نیست. در حالی که در نگاه اول adjective clause به دلیل هماهنگی با noun clause و adverb clause گزینه بهتری به نظر می‌آید، relative clause از تعداد تکرار بیشتر و گستره وسیع‌تری در میان کتاب‌های پیکره زبانی برخوردار است (۳۴۹ تکرار در بین ۱۲ کتاب در مقابل ۳۲۰ تکرار adjective clause در میان تنها ۳ کتاب). اما دانشجویان، هرچند با اختلاف جزئی (۲۵ در مقابل ۱۸ درصد)، آشنایی بیشتری با adjective clause در قیاس با relative clause داشتند، که دلیل آن می‌تواند همان نکته ذکر شده در بالا باشد. در آخر، ad-verbial clause، که البته در ظاهر از adverb clause، چندان متفاوت به نظر نمی‌رسد تنها ۳۸ بار در بعضی از کتاب‌های سطح پیشرفته یافت شد، که دلیل مضاعف بر تعلق بیشتر آن به حوزه علم است.

همان‌طور که در تصویر ۱ نیز دیده می‌شود، دسته‌بندی آخر مربوط به دو نوع جمله‌واره‌های موصولی (صفتی) است: defining/identifying/restrictive/essential clause و non-defining/non-identifying/non-restrictive/non-essential clause. تمامی این اصطلاحات از شفافیت نسبی برخوردارند، اما شفافیت essential clause به طور غیرمستقیم قابل درک است زیرا زمانی می‌توان گفت جمله‌واره‌ای جزء ضروری (essential) جمله است که آن جمله‌واره نقش تعیین‌کنندگی (defining)، شناسایی (identifying) یا محدودکنندگی (restrictive) داشته باشد. به بیان دیگر، تشخیص تعیین‌کننده، شناسایی‌کننده یا محدودکننده بودن یک جمله‌واره پیشنهاد تشخیص جزء ضروری بودن آن در جمله است. همین امر می‌تواند دلیل تکرار کمتر این اصطلاح تخصصی در پیکره زبانی پژوهش باشد. دلیل محبوبیت کمتر restrictive clause

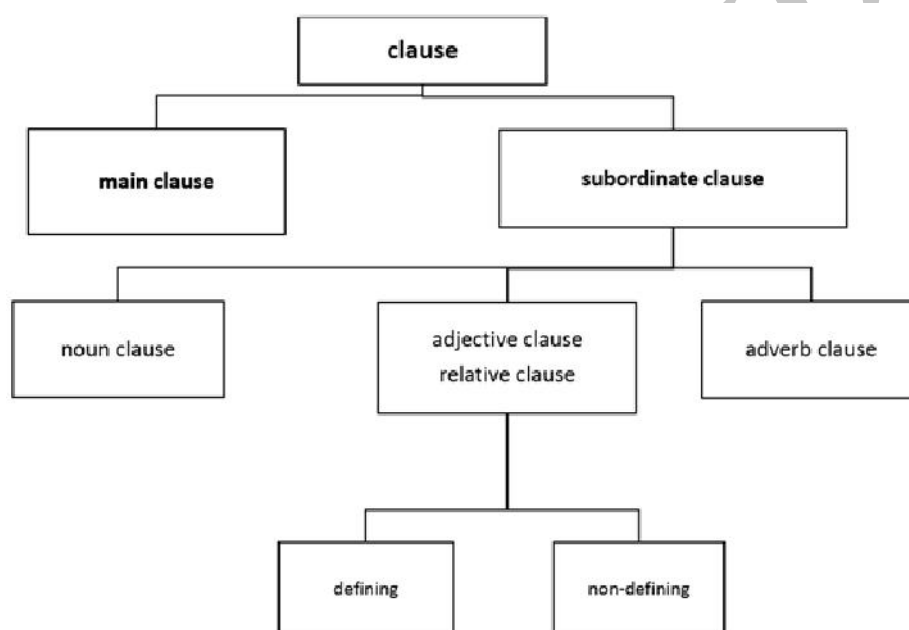
نسبت به دو مترادف دیگرش نیز بی‌شبهت به دلیل ذکر شده نیست، چراکه این اصطلاح تا حدی پیچیده‌تر و علمی‌تر به نظر می‌رسد: تعیین کردن یا شناسایی کردن مرجع جمله‌واره قابل‌درک‌تر از محدود کردن آن مرجع از لحاظ معنایی است. تفاوت فنی و تخصصی بودن بین *defining* و *identifying* کم‌رنگ‌تر است، اما در هر حال *de-finishing* هم از نظر تکرار در پیکره زبانی و هم از نظر گستره حضور در کتاب‌های مختلف در جایگاه بهتری قرار دارد: ۷۶ تکرار در ۷ کتاب در مقابل ۲۵ تکرار در ۲ کتاب برای *identifying*. تفاوت میان میزان آشنایی دانشجویان با این اصطلاحات تخصصی کم‌رنگ‌تر است. تنها شاید بتوان گفت *identifying* اندکی از دیگر مترادف‌ها کمتر برای دانشجویان شناخته شده بود، اما این اختلاف‌های پیداشده در این قسمت همگی کمتر از ۱۰٪ بودند، که آنها را نسبتاً قابل چشم‌پوشی می‌کند.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر یافتن مناسب‌ترین اصطلاحات تخصصی گرامری برای تدریس انواع جمله‌واره‌ها در آموزش مهارت نوشتن به انگلیسی بوده است. از میان *main clause*، *independent clause*، *superordinate clause* و *matrix clause*، دو اصطلاح اول آموزشی و دو اصطلاح دوم علمی تشخیص داده شدند. اگرچه از لحاظ دقت *superordinate clause* می‌تواند گزینه مناسبی باشد (که معمولاً از اصطلاحات علمی جز این نیز انتظار نمی‌رود)، استفاده از آن می‌تواند بار یادگیری را برای زبان‌آموزان بیشتر کند، چراکه درک درست رابطه تابع و متبوع چندان سهل نیست. اما استفاده از *subordinate clause* (به جای *dependent clause*) مناسب به نظر می‌رسد زیرا از تکرار بیشتری در پیکره زبانی برخوردار است و مادامی که *main clause* (و نه *superordinate clause*) مورد استفاده قرار گیرد، امکان ایجاد اشتباه به دلیل شباهت را برای زبان‌آموزان نخواهد داشت. بنا به دلایل ذکرشده در قسمت قبل، *coordinate clause* را می‌توان از مجموعه اصطلاحات تخصصی در حوزه آموزش حذف نمود، بدون آنکه چیزی از دست برود یا مشکلی ایجاد شود.

در مورد اصطلاحات تخصصی برای انواع جمله‌واره‌های تابع، *noun/adjective/ adverb clause* بهترین گزینه‌ها هستند، که البته *relative clause* هم جایگزین مناسبی برای *adjective clause* می‌تواند باشد. در واقع، این یکی از معدود مواردی است که استفاده از دو اصطلاح تخصصی مترادف به نظر هوشیارانه می‌رسد، چراکه انتخاب

یکی به جای دیگری ما را از فواید اصطلاح دیگر محروم می‌کند. همچنین، بر اساس نتایج پژوهش، از چهار گروه مختلف اصطلاحات برای انواع جمله‌واره‌های موصولی (وصفی)، defining/non-defining مناسب‌ترین گزینه است زیرا، جدا از مباحث مطرح شده در قسمت قبل، هم از منظر تکرار در پیکره زبانی و هم از منظر آشنایی زبان‌آموزان، این اصطلاح از وضعیت بهتری نسبت به مترادف‌هایش برخوردار است. با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، تصویر ۲ نسخه جدیدی از شبکه اصطلاحات تخصصی گرامری برای تدریس انواع جمله‌واره‌ها به نمایش می‌گذارد.



تصویر ۲- شبکه اصلاح شده اصطلاحات تخصصی گرامری برای تدریس انواع جمله‌واره‌ها در آموزش نوشتن به انگلیسی

همان‌طور که با نگاهی اجمالی به تصویر ۱ و ۲ می‌توان دریافت، شبکه اصلاح شده اصطلاحات تخصصی گرامری برای تدریس جمله‌واره‌ها، در قیاس با شبکه اولیه ارائه شده در تصویر ۱، بسیار ساده‌تر و قابل‌درک‌تر است و از قابلیت بیشتری برای استفاده در تدریس نوشتن در کلاس‌های زبان انگلیسی برخوردار است. البته، همانند هر گروه دیگری از اصطلاحات تخصصی، لازم است این شبکه جدید را به‌طور یکدست در تمامی مراحل تدریس در سطوح مختلف مورد استفاده قرار داد تا باعث سردرگمی زبان‌آموزان نشود. تحقق این مهم نیز مستلزم برنامه‌ریزی و نظارت مستمر

بر فرآیند تدریس است. مانع دیگر بر سر راه بهره‌برداری هرچه بیشتر از این شبکه جدید اصطلاحات تخصصی عدم تطبیق احتمالی مواد درسی با این شبکه است. اگرچه مواد درسی تهیه‌شده توسط معلمان را می‌توان به‌سادگی اصلاح، یا در صورت نیاز، جایگزین نمود، در مورد کتب درسی (که معمولاً از سوی سطوح بالاتر سازمانی تعیین می‌شوند)، محدوده نظارتی و کنترلی بسیار تنگ‌تر می‌شود. علیرغم وجود تمامی این مسائل، می‌توان امید داشت با افزایش سطح آگاهی و حساسیت معلمان زبان انگلیسی نسبت به اهمیت و پیچیدگی‌های اصطلاحات تخصصی گرامری موجود برای تدریس جمله‌واره‌ها، کیفیت تدریس این مبحث دشوار در آموزش نوشتن به زبان انگلیسی را، هرچند اندک، ارتقا داد و در صرف وقت و انرژی برای آموزش و یادگیری صرفه‌جویی نمود.

اگرچه این شبکه جدید اصطلاحات تخصصی، که در درجه اول بر اساس تعداد تکرار در پیکره زبانی و سطح آشنایی دانشجویان با اصطلاحات تهیه شده است، از لحاظ نظری نیز در قسمت‌های قبل توجیه شده است، نباید به صورت مطلق دیده شود. می‌توان این شبکه پیشنهادی را در شرایط و موقعیت‌های مختلف اندکی تغییر نیز داد. امید است پژوهش حاضر معلمان زبان انگلیسی و نویسندگان کتب و مواد درسی را نسبت به ضرورت استفاده صحیح از اصطلاحات تخصصی گرامر برای تدریس انواع جمله‌واره‌ها و همچنین پیچیدگی‌های موجود در مجموعه این اصطلاحات حساس کند و راهکارهای مناسب برای استفاده بهتر از اصطلاحات بررسی‌شده را در اختیار آن‌ها قرار دهد.

منابع

- Azar, B. S. (2002). *Understanding and using English grammar*. New York: Pearson Longman Education.
- Barkley, L., & Sandoval, C. (2015). *Grammar and usage, naturally*. Stamford: Cengage Learning.
- Beaman, K. (1984). Coordination and subordination revisited: Syntactic complexity in spoken and written narrative discourse. In D. Tannen (Ed.), *Spoken and written language: Exploring orality and literacy* (pp. 45–80). Norwood, NJ: Ablex.
- Beers, S. F., & Nagy, W. E. (2009). Syntactic complexity as a predictor of adolescent writing quality: Which measures? Which genre? *Reading and Writing*, 22(2), 185–200.
- Berry, R. (2008). Talking terms: Choosing and using terminology for EFL classrooms. *English Language Teaching*, 1(1), 19–24.
- Berry, R. (2010). *Terminology in English language teaching*. Bern: Peter Lang.
- Biber, D., & Vasquez, C. (2008). Writing and speaking. In C. Bazerman (Ed.), *Handbook of research on writing: History, society, school, individual, text* (pp. 657-672). New York: Lawrence Erlbaum Associates.
- Biber, D., Johansson, S., Leech, G., Conrad, S., & Finnegan, E. (1999). *Longman grammar of spoken and written English*. London: Pearson.
- Chafe, W. (1982). Integration and involvement in speaking, writing, and oral literature. In D. Tannen (Ed.), *Spoken and written language: Exploring orality and literacy* (pp. 35–54). Norwood, NJ: Ablex.
- Crossley, S. a., Roscoe, R., & McNamara, D. S. (2014). What is successful writing? An investigation into the multiple ways writers can write successful essays. *Written Communication*, 31(2), 184–214.

- Eckman, F. R., & Bell, L. Nelson, D. (1988). On the generalization of relative clause instruction in the acquisition of English as a Second Language. *Applied Linguistics*, 9(1), 1–20.
- Gaies, S. J. (1980). T-Unit analysis in second language research: Applications, problems and limitations. *TESOL Quarterly*, 14(1), 53–60.
- Haiman, J. & Thompson, S. A. (1988). *Clause combining in grammar and discourse*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Halliday, M.A.K., & Matthiessen, C.M.I.M. (2004). *An introduction to functional grammar* (3rd ed.). London: Arnold.
- Hinkel, E. (2002). Teaching grammar in writing classes: Tenses and cohesion. In E. Hinkel & S. Fotos (Eds.), *New perspectives on grammar teaching in second language classrooms* (pp. 181–198). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Hinkel, E. (2011). What research on second language writing tells us and what it doesn't. In E. Hinkel (Ed.), *Handbook of Research in Second Language Teaching and Learning Volume 2* (pp 523-538). New York: Routledge.
- Hunt, K. W. (1965). Grammatical structures written at three grade levels. In *National Council of Teachers of English, III*.
- Jalilifar, a. (2010). Thematization in EFL students' composition writing and its relation to academic experience. *RELC Journal*, 41(1), 31–45.
- Janopoulos, M. (1992). University faculty tolerance of NS and NNS writing errors: A comparison. *Journal of Second Language Writing*, 1(2), 109–121.
- Leki, I., Cumming, A., & Silva, T. (2008). *A synthesis of research on second language writing in English*. New York: Routledge.
- Leech, G. (2006). *A glossary of English grammar*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- O'Donnell, R.C. (1974). Syntactic differences between speech and writing. *American Speech*, 49, 102–110.
- Ong, J., & Zhang, L. J. (2010). Effects of task complexity on the fluency and lexical

complexity in EFL students' argumentative writing. *Journal of Second Language Writing*, 19 (4), 218-233.

Penston, T. (2005). *A concise grammar for English language teachers*. Wicklow: TP Publications.

Saddler, B., Asaro, K., & Behforooz, B. (2008). The effects of peer-assisted sentence-combining practice on four young writers with learning disabilities. *Learning Disabilities: A Contemporary Journal*, 6(1), 17-31.

Schleppegrel, M. J. (2008). Grammar, the sentence, and traditions of linguistic analysis. In C. Bazerman (Ed.), *Handbook of research on writing: History, society, school, individual, text* (pp. 673-693). New York: Lawrence Erlbaum Associates.

Sjolie, D. (2006). Phrase and clause grammar tactics for the ESL/ELL writing classroom. *The English Journal*, 95(5), 35-40.

Spears, R. A. (1991). *NTC's dictionary of grammar terminology*. Lincolnwood: National Textbook Company.

Walker, E., & Elsworth, S. (2000). *Grammar practice for intermediate students*. Essex: Pearson Education.